

## اشاره

**آخر جمادی‌الثانی، سالروز رحلت حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ طحطاالله صافی گلپایگانی از مراجع عظیم‌الشأن دوره معاصر است که زندگی بیش از یکصد ساله او به جهات مختلف الگو برای طلاب و روحانیون می‌باشد. مجموعه «فرید دروان» بخشی از سیره علمی و عملی این مرجع جهان تشیع، می‌باشد که درمیان بندگان صالح خداوند مشهور به سجایای اخلاقی و کمالات نفسانی می‌باشد. جویندگان سعادت از لحظه به لحظه گفتار و رفتار آن مقام عظیم کتنه‌های عمیق و سازنده‌ای را تعلیم ی‌دند و امید است همه ما خصوصاً نسل جوان از این سیره زرین که جزئی بسیار اندک از کرامت‌های آن مرجع والا است بهره کافی را ببریم. این مجموعه تماماً از بیانات جناب استاد حاج شیخ محمد حسن صافی گلپایگانی فرزند فاضل ایشان است که در تمام دوران مرجعیت ایشان در خدمت صادقانه و مخلصانه به والد مکرم و امورات شیعیان در کنار تدریس دروس خارج فقه و اصول در حوزه علمیه قم از هیچ خدمتی دریغ نکردند.**

**اخلاق اسلامی**

در مراداتشان با مردم و گفتگوهایشان با شخصیت‌ها، فرقی بین شخصیت‌های سیاسی و افراد عادی، قائل نبودند و همه را با این دید می‌نگریستند که بندگان خدا هستند و به بندگان خدا با هر ایده و مسسلکی که داشتند احترامی خاص می‌نمودند و البته از جهاتی که اهل‌بیت (علیهم‌السّلام) دستور داده‌در برابر شخصیت‌ها، با چهره درهم، حضور پیدا کنند چنان‌که امیرالمؤمنین(ع) می‌فرمایند: «أَمَرْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنْ نَلْقَى أَهْلَ الْمَعَاصِي بَوَّحُوهُ مُكَفَّرَةً». ایشان نیز چنین برخورد می‌کردند، اما واقعاً هر کس با ایشان نشست و برخاست داشت، اخلاق اسلامی را در ایشان می‌دید و شیفته ایشان می‌شد و یکی از برجستگی‌های زندگی ایشان همین بود. مثلاً برادران پاسداری که در اوائل انقلاب، وظیفه محافظت از ایشان را در ظاهر داشتند، تا آخر عمر آن مرحوم ادعان داشتند که از بهترین روزهای زندگی‌شان ایامی بود که در خدمت آقا بودند. ایشان نیز آن برادران را همانند فرزندان خودشان دوست می‌داشتند و به آنان علاقه‌مند بودند؛ لذا فرقی میان خود با آنان قائل نمی‌شدند و حالت بالادستی و پایین‌دستی در وجود ایشان، دیده نمی‌شد.

**احترام به سادات**

برای سادات احترام بسیاری قائل بودند و از این جهت در عصر ما نمونه بودند و همیشه توصیه می‌کردند سادات، سفارش شده پیغمبر اکرم و اهل‌بیت (علیهم‌السّلام) و فرزندان حضرت زهرا (س) هستند و ما وظیفه داریم که به آنان احترامی خاص بگذاریم؛ و لذا ایشان حاضر نبودند که هیچ یک از سادات محترم دست ایشان را بوسود مگر این که

## مقدمه

این ایام، ابراز برخی از پرسش‌ها و ایجاد شبهه در بعضی از معتقدات شیعی ولو به شیوه ناموجه و نامنسب، برخی از روحانیان را عصبی و گاه از مدار اخلاق خارج کرده است در حالی که حوزه‌های علمیه شیعه در طول تاریخ حیات پربار خویش، به پیروی از سیره و سنت پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع) بزرگوار آن حضرت، همواره ز پرشش‌ها، اظهار شبهات و اندیشه‌های مخالف برای رسیدن به حق و حقیقت، استقبال می‌کرده‌اند. وجود کتاب‌های احتجاجات، مناظرات و مانند آنها نشانه‌ای از این فرهنگ رواذاری و پای بندی به سنت ازآزاداندیشی و هم‌اوردی اندیشه هاست. مناظرات امامان معصوم با ارباب ادیان و پیشوایان و پیروان مذاهب گوناگون، آفرینش کتاب‌هایی در نقد و ایراد آثار مخالفان، میراث گرانسنگی را از سنت علمی و فکری شیعیان برای نسل‌ها به یادگار گذاشته است. واکنش این بزرگان دانش و اندیشه، نسبت به شبهه پراکنشی های مخالفان و معاندان، به اندازه‌ای سریع بوده است که فرصت تأثیرگذاری ژرف و گسترده را همواره از ستیزه جوان می‌گرفته است. چابکی در عین صبورۃ، از ویژگی‌های این مردان علم و عمل در برهه‌های مهم و سرنوشت ساز بوده است که عوامل که اقدامات به موقع ایشان، آستانه تحمل مخالفان را کوتاه و مدعیان را بی‌تاب می‌ساخته است. با این همه، هیچ گاه پرسش و یا شبهه‌ای بزرگان ما را از جاده انصاف خارج نکرده است.

**جدال احسن**

طرح شبهه‌ها و پرسش‌های دینی ازسوی مردم و روشن‌گری و ابهام زدایی و پاسخ‌گویی پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع) و صحابه و صالحین با بهره‌گیری از زبان و ادبیات لطیف، به منظور متقاعد کردن اذهان و افکار و وجان‌های مخاطبان، به عنوان بخشی از سیرت و سنت ثابت مورد قبول همه فرقه‌های اسلامی است. قرآن پیامبر(ص) را امر کرده است به دعوت حکیمانه، موعظه نیکو، و جدال احسن: «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتي هي احسن» (۱۹، بقره)، قرآن، برای نشان دادن پای بندی رسول خدا به این سنت حسنه، به برخی از مناظرات پیامبر با مشرکان، بت‌پرستان قریش اشاره کرده است. البته گزارش‌های تاریخی و روایی، حکایت از آن دارند که پیامبر(ص) با دوگانه پرستان، دهریان و متکران خدا نیز به موعظه حسنه و مجادله احسن می‌پرداخته است. همین شیوه پسندیده آن حضرت بوده است که دل‌های سخت آنان را در برابر سخن حق خاضع می‌ساخته است.

متوجه سیادت ایشان نمی‌شدند. البته ایشان با دیگران نیز چنین حالتی داشتند و اجازه نمی‌دادند غیر سادات نیز به دست ایشان بوسه بزنند و برخی به‌صورت ناگهانی، دست ایشان را می‌بوسیدند؛ ولی این کار نیز موجب ناراحتی ایشان را فراهم می‌آورد و این عمل از سادات، آزرده‌گی خاطر بیشتر برای ایشان پدید می‌آورد؛ لذا سید مورد نظر را نزد خود فرامی‌خواندند و دست او را می‌بوسیدند.

**تواضع**

یکی دیگر از نمونه‌های اخلاق عملی ایشان که برای حوزه و همه مؤمنین آموزنده است، در جلسه عمامه‌گذاری در مدرسه امام خمینی، دیده شد که جمعیتی حدود چهل تن از طلاب آن مدرسه به دست ایشان معّم شدند و در میان آنان، طلیه‌ای اهل آفریقا و از نظر چهره، رنگین‌پوست بودند. مرحوم آقا پس از آن که عمامه را بر سر ایشان گذاشتند، دست آن طلبه جوان را گرفتند و بر آن، بوسه زدند. البته حرکت ایشان به انگیزه خوندنایی نبود، اما این تصویر در سرتاسر دنیا به این عنوان، منتشر شد که یک مرجع تقلید در عین کهولت سن، چگونه به رنگین‌پوستان، احترام می‌گذارد و مطابق آموزه قرآن: «لَنْ أَكْرَمَکُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاکُمْ» (حجرات/۱۳) گرمی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست، عمل می‌کند و فرقی میان سیاه و سفید برای ایشان مطرح نیست. ایشان بر این باور بودند که طلاب خارجی، مهمانان ما هستند که به کشور ما آمده و در حوزه علمیه، تحصیل می‌کنند؛ لذا ما باید احترام بیشتری نسبت به دیگران برای آنان قائل باشیم.

**تکریم استاد**

دیگر ویژگی بارز اخلاقی ایشان احترام خاصی بود که برای اساتیدشان قائل بودند. ولو این که از دنیا رفته بودند، اما هرگاه از آنان یاد می‌کردند، با تجلیل از آنان نام می‌بردند. در برابر علما و بزرگانی که آثارشان را خوانده بودند نیز احترام می‌نهادند و می‌فرمودند که آنان به گردن ما حق دارند و هرگاه نامی از آنان به میان می‌آمد، به بزرگی از آنان یاد می‌کردند. اگر در درسشان قصد داشتند مطلبی یا بحثی علمی را از فقیه و بزرگی نقل و آن را نقد یا توضیح کنند، به پیشنهادی وارد می‌شدند که با احترام خاص، همراه بود تا ناخواسته، جسارتی به آن شخصیت بزرگوار وارد نیاید. به یاد دارم که وقتی به منزل مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی استاد خودشان – آمند و خواستند وارد منزل بشوند، در آن زمان منزل ایشان را بوسیدند و یکی از اشخاص حاضر در آنجا، بلافاصله از این حرکت، عکس گرفت و اکنون نیز تصویر آن موجود است. ایشان، اساتید خود را احترام و به آقایان طلاب هم گوشزد می‌فرمودند که یکی از عوامل پیشرفت طلبه حفظ حرمت اساتید است؛ چه استادی که دروس مهم را در خدمتشان خوانده‌اند و چه استادی که الفاظ را به آن‌ها آموخته است؛ لذا ایشان کسانی را که حتی در دوران نوجوانی، استادشان بودند، یاد و برایشان طلب مغفرت می‌کردند و گاهی می‌فرمودند: وقتی قرآن می‌خوانم، برای همه اساتید و ذوی الحقوق خود قرائت و تواش را

نثار ارواح آنان تقدیم می‌کنم.

**ادب زیارت**

احترام ایشان به حضرات معصومین (علَیْهِمُالسّلام) هم جای خود دارد. به یاد دارم که هرگاه به حرم مطهر آقا علی بن موسی الرضا(ع) مشرف می‌شدند، با این که برایشان دشوار بود بر زمین می‌نشستند و عتبه متبرکه را می‌بوسیدند؛ آنگاه برمی‌خاستند و با اذن دخول وارد حرم مطهر می‌گردیدند. همچنین

با این که نشستن بدون صندلی برایشان دشوار بود، در حرم مطهر امام رضا(ع) هیچ‌گاه روی صندلی ننشستند. خدا را شاهد می‌گیرم که بارها در خدمت ایشان به حرم، مشرف می‌شدم و این ادب را از ایشان می‌دیدم و هرچه برای اوستاد از صندلی به ایشان اصرار می‌شد نمی‌پذیرفتند، درحالی که کسانی با ما سن کمتر از ایشان روی صندلی می‌نشستند. ایشان هر وقت وارد کفشداری می‌شدند و کفش خود را تحویل می‌دادند، عصایشان را هم به کفشداری می‌دادند تا بدون عصا وارد حرم مطهر بشوند. شاید به ذهن برسد که این امور جزئی اهمیت چندانی ندارد، ولی برای ایشان بسیار مهم بود.

**ارادت خاص به امام زمان (عج)**
در مورد فرمایش‌ها و روایات اهل‌بیت (علَیْهِمُالسّلام) نیز ایشان فانی بودند؛ به‌ویژه فدای ایشان در مقابل حضرت حجت (عج) واقع نگفتنی و توصیف‌ناپذیر است.

**حالات دعا**

ایشان بسیاری از ادعیه را حفظ بودند مثل دعای کمیل، دعای ندبه، ادعیه صحیفه سجادی، دعای ابوحزه ثمالی، دعای عهد و می‌فرمودند من از زمانی که دعای عهد را یاد گرفتم، هیچ صبحی نگذشت که این دعا را

خوزه دوره سوم- ۷۱۳

# فرید دوران



نخونام و از همان دوران نوجوانی بر این دعا مداومت داشت.م. این رویه تا اواخر عمر ایشان که توانایی داشتند، ادامه یافت. در روز جمعه هفته آخر که به خدمت ایشان رسیدیم، بعد از نماز ظهر به ایشان عرض کردم که بهتر است زیارت امام زمان را بخوانید. گفتند: من بعد از نماز صبح، این زیارت را خوانده‌ام، اما با این حال، دوباره این زیارت را خوانند. ایشان حالات خاصی در قرائت زیارات «آل یس» و «عهد» داشتند و چنان بود که گویا حضرت را مشاهده می‌کنند. معتقد بودند که در تمام حالات خاص که موفق باشند تا رضایت ایشان را به دست بیاورند و قلب مقدسشان از ما خوشود باشد.

**جاذبه اخلاقی**

اخلاق ایشان با نوجوانان، جوانان، اقوام و انسایشان نیز درخور توجه است. نوادگانشان چنان به ایشان علاقه‌مند بودند که برخی از آنان پس از رحلت آقا، از شدت اندوه، روز و شب نمی‌شناستند و اظهار می‌کنند که ایشان مایه دل‌خوشی ما بودند. هرگاه دوستان و اقوام به خدمت ایشان می‌آمدند، حتی یک بار یا تندی صحبت نمی‌کردند، بلکه همیشه لبخند به لب داشتند؛ فرزندان کوچک آن‌ها را در آغوش می‌گرفتند و اظهار محبت و دعا می‌کردند و از خدا برایشان عاقبت نیک می‌طلبیدند. می‌توان گفت که اخلاق ایشان، اخلاق اسلامی به تمام معنا بود و چنان‌که خداوند می‌فرماید: «قَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب/۲۱). اسوه زندگی ایشان اهل‌بیت (علَیْهِمُالسّلام) و در

دارند، از کتب نایابی هستند که با زحمت فراوانی به دست آورده‌اند و مورد مطالعه ایشان بود.

**برنامه‌ریزی دقیق**

برنامه ایشان در طول این دو سال، این بود که پس از نماز صبح، دعا و قرآن می‌خواندند؛ مقداری استراحت می‌کردند و به اتاق مخصوص خودشان – که دیدارهایشان با اشخاص را در آنجا ترتیب می‌دادند – می‌نشستند و مطالعه می‌کردند. کتاب‌های مورد علاقه ایشان اولاً کتاب‌های تفسیری، روایی، تاریخی و کتبی بود که بیشتر جنبه تحلیلی داشت. ایشان تا نزدیک آذان ظهر، حدود ۴ تا ۵ ساعت با کتاب، مانوس بودند. در این بین نیز اشخاصی به خدمت ایشان می‌رسیدند و گفتگو می‌کردند اما پس از آن ایشان به مطالعه کتاب‌ها عم از فارسی و عربی مشغول می‌شدند. بعد از ظهر نیز پس از اندکی استراحت، به اتاق خودشان می‌آمدند و تا آذان مغرب به مطالعه می‌پرداختند. تصویری که یکی از دوستان، درست دو روز قبل از رحلت، از ایشان گرفته‌اند، کتاب «المعجم الأوسط» در دست ایشان نشان می‌دهد. علاقه شدید ایشان به این کتاب‌ها موجب می‌شد که جزء به جزء آن‌ها را مطالعه کنند. این برنامه بعد از نماز مغرب و عشاء نیز ادامه داشت و گاهی تا ساعت دوازده شب به طول می‌انجامید. ایشان بعد از نماز مغرب و عشاء روزنامه‌ها را مرور می‌کردند؛ آنگاه مقداری قرآن می‌خواندند و دوباره سرگرم مطالعه و استقناتاتی می‌شدند که شبانه به خدمت ایشان می‌آوردند و ایشان ملاحظه می‌فرمودند.

**مسئولیت‌پذیری**

ایشان می‌فرمودند: در ایام نوجوانی، حدود شانزده سال داشتم که مجله‌ای به نام «همایون» چاپ می‌شد و گاهی مطالبی انحرافی در آن منتشر می‌گردید و من در آن سنین برای این مطالب، جواب می‌نوشت.م. یکی از مسئولین می‌گفتند که ما جواب ایشان را به مجله «همایون» در کتابخانه مجلس یا کتابخانه ملی یافتیم. ایشان این چنین خود را برای دفاع از احکام اسلام و شریعت موظف و مسئول می‌دانستند و تشویق دیگران ازسوی ایشان که به آن اشاره کردید از سر همین احساس وظیفه بود.

**مشوق خیرات**

بعد از رحلت ایشان یکی از دوستان می‌گفت دختر من کتابی درباره حضرت زهرا (س) نوشته بود و ایشان پس از مطالعه کتاب، با این که شخصیت این خاتم را نمی‌شناختند، شماره او را به دست آوردند و با تماس، از ایشان تشکر کردند. از این دست موارد، بسیار است. ازسوی دیگر هم اگر کسی خدای ناکرده مطلب خلافی بیان می‌کرد، ناراحت می‌شدند و خودشان درصدد پاسخگویی برمی‌آمدند.

**صراط مستقیم**

حدود ده سال قبل، عده‌ای از علمای کرج به خدمت ایشان آمدند و حدود صد و هشتاد شبهه گردآورده بودند که وهابیان در میان مردم، منتشر و ترویج کرده بودند. ایشان با شنیدن این خبر، ناراحت شدند و گفتند: الاّن

## جمهوری اسلامی

مسئولیت پاسخگویی را به چه کسی بدهم؟ خودم پاسخ می‌دهم. ایشان شبهات را در قالب کتاب «صراط مستقیم» پاسخ دادند و چندین مرتبه نیز تجدید چاپ گردید. این کتاب با کمال دقت و متانت، جواب‌گوی این شبهات است و بی‌آن که از دایره اخلاق خارج گردد و افتزایی به دیگران وارد آورد جوابی علمی، دقیق و محکم به این شبهات می‌دهد.

**فرید دوران**

یکی از امتیازات ایشان که شاید بتوان گفت در زمان غیبت امام زمان (عج) برای هیچکدام از فقها و علما پیش نیامده اشتغال ایشان به پاسخگویی استفتانات در حدود ۸۰ سال است. با طول عمر مبارکی که خداوند به ایشان مرحمت نمود صاحب این امتیاز ویژه شدند. ایشان در سنین جوانی که ۱۸ سال در خدمت حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی بودند به پاسخگویی استفتانات ایشان مشغول بودند. یادم هست که آقا می‌فرمودند در یک شبی مرحوم آیت‌الله بروجردی یک پاکت نامه‌ای حاوی ۳۲ سؤال به من دادند برای پاسخگویی و من تا آذان صبح همه سؤال‌ها را پاسخ گفتم و صبح خدمت ایشان تقدیم کردم، ایشان بسیار خوشحال شدند و تشویق کردند و با همان لپچه شیرین فرمودند: «می‌نماید که اینطور بهتر است تا آن شورای استفتانات». بعد از آن حدود ۳۲ سال در خدمت آیت‌الله العظمی گلپایگانی بودند و مسائل را پاسخ می‌گفتند تا حدی که اگر ایشان پاسخ‌های شورای استفتانات را تأیید نمی‌کردند، آیت‌الله گلپایگانی مُهر نمی‌کرد و بعد از آن هم حدود ۳۰ سال دوران مرجعیت خودشان که جمعاً قریب به ۸۰ سال ایشان سؤالات مختلف در عرصه‌های گوناگون را پاسخ می‌دادند.

**تبلیغ در مکانی سخت**

یکی از ویژگی‌های ایشان این بود که همیشه درحال تبلیغ دین بودند و خصوصاً در دوران جوانی به شهرها و روستاهای زیادی جهت تبلیغ مسافرت کردند ایشان می‌فرمودند: «یکی از سفرها که عازم شدم چون وسیله حمل و نقل کم بود می‌بایست با یک ماشین تا مقداری از راه را می‌رفتم و از آنجا با وسیله دیگری تا مقصد برویم. نیمه شب ما را در قهوه‌خانه‌ای میان جاده پیاده کردند و ماشین بعدی بعد از آذان صبح می‌آمد، مجبور بودیم برای محافظت در مقابل سرما به قهوه‌خانه برویم. آنجا مکان نامناسبی بود و بسیاری مشغول گناهان بودند، من از قهوه‌خانه بیرون آمدم ولی فکر کردم، باید از همین مکان برای تبلیغ استفاده کنم برگشتم و روی صندلی نشستم با شخصی که در کنار خود بود شروع به صحبت کردم آن هم با صدای بلندی که بقیه بشنوند و مطالبی راجع به مسائل دین، استفاده از عمر و... گفتند؛ کم کم که کسانی که روی صندلی‌ها، قهوه‌ها و عده زیادی از آنها مشغول فعل حرام، کارهای خود را رها کردند و صندلی‌ها را به سمت من چرخاندند و به صحبت‌هایم گوش می‌دادند، ساعتی برای آنها صحبت کردم که الحمدلله باعث شد بسیار از آن گناهان توبه کنند.

## حقوق زن و حدود و وظایف زن، بهترین دلیل بر اصالت و حقانیت و جنبه فوق بشری آن است (همان).

شهیدمطهری به مطالعه کتاب‌های مادی گرایان که از طرف حزب توده به زبان فارسی منتشر می‌شد و یا در مصر به زبان عربی تفسیر می‌یافت، پرداخت.

کتاب‌های کمونیست‌هایی چون «کنتر قتی ارانی را» دقت و مکرر می‌خواند. به سال ۲۹ کتاب اصول مقدماتی فلسفه، اثر ژرژ پوپلستر، استاد دانشکده کارگری پاریس را با تأمل مطالعه و برای آن که مطالب در حافظه‌اش بماند، همه را خلاصه نویسی می‌کند. او برای پاسخ به پرسش‌ها و شبهه‌های برخاسته از همین آثار به درس استاد مشارکت می‌نماید و کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم را که در سال‌های اخیر نقش تعیین کننده‌ای در ارائه بی‌پایگی فلسفه مادی برای ایرانیان داشته است، تئوون می‌نماید (علل گرایش به مادی گری، مقدمه ماتریالیسم در ایران).

با رشد اندیشه ماتریالیستی در ایران و سرایت آن به گروه‌های مسلمان انقلابی، و پیدایش اندیشه التقاطی و تفکری که شهیدمطهری آن را ماتریالیسم منافق می‌نامد، کتاب علل گرایش به مادی گری را می‌نویسد. مطهری هنگامی که ضمن مطالعاتش به نکاتی بر می‌خورد که به نظرش قلب و تحریف می‌رسد و چنین می‌یابد که در ایران اسلامی جریاناتی رخ داده است که آنها را به عنوان یک «مقاومت» و عکس‌العمل مخالف روح ایران در برابر اسلام معرفی کنند، از قبیل نهضت‌های شهری، زبان فارسی، تصوف و حتی تشیع، همچنان که برخی شخصیت‌ها به عنوان مطهری از این مقاومت معرفی شده و می‌شوند، از قبیل حکیم ابوالقاسم فردوسی، حسانه سرای عظیم ایران و فیلسوف بزرگ شیخ شهاب‌الدین سهروردی، معروف به شیخ اشراق، به یادداشت و سخنرانی درباره خدمات متقابل اسلام و ایران می‌پردازد که در سال‌های اخیر پس از بازنگری و ویرایش و افزودهای بسیار با همین نام آنها را منتشر می‌سازد (خدمات متقابل اسلام و ایران، مقدمه).

سایر نوشته‌های استاد مطهری نیز در واقع در پاسخ به پرسش‌ها و دفع شبهات دینی نوشته شده‌اند. کتاب‌های مسأله حجاب، ختم نبوت، امدادهای غیبی، حتی آن چه که درباره زندگی ائمه معصومین نوشته است، مطالعات، تذکات دراز دامن اوست که پس از یادداشت، در کلاس درس و یا در برابر افراد شده و سپس به قلم آمده و در قالب مقاله و یا کتاب انتشار یافته‌اند.

# شبهه‌زدائی دینی، رسالت حوزه‌های علمیه

۱۸). او معتقد است که تک تک کلمه‌ها و جمله‌های این آیه، ناظر به موضع‌گیری برجسته زنده اسلام در مسأله برخورد با آراء و عقاید دیگران است. زیرا که خداوند به روشنی دستور می‌دهد که مؤمنان گفته‌ها را گوش فرا دارند و بهترین آنها را انتخاب کنند. از این رو نتیجه می‌گیرد اسلام، دین به کار گرفتن خرد و نهراستین از طرح اندیشه‌های مخالف است. شهید بیهشتی می‌گوید: «با الهام‌گیری از این موضع‌گیری قرآن؛ پیشوایان دینی، دانشمندان و پژوهش‌گران

متنوع و متنکثری از مادی گرایان و طبیعت گرایان و ملحدان و مسلمان نمایان، به موضع‌گیری‌های

سنجیده پرداختند و طرحی نو در انداختند. بی‌تردید این مجاهدات علمی و فرهنگی می‌تواند سرمایه‌ای بس ارجمند برای طلاب و دانش آموختگان حوزه‌های علمیه در روزگار ما باشد. در دوره معاصر، علمای حوزه‌های علمیه شیعه در برابر شبهه پراکنی‌های پیروان مادی و الحادی و ادیان شرقی و غربی و تعصب ورزی‌های مذاهب گوناگون، به صورت فعال موضع‌گیری کرده و با نگارش ده‌ها کتاب علیه ادعاهای ماتریالیست‌ها، کمونیست‌ها، داروینست‌ها، بهائیان، وهابیان، و غیره به روشن‌گری پرداخته‌اند، که کتاب کشف اسرار امام‌خمینی نمونه‌ای از آنهاست. تحقیق و تحلیل کوشش‌های این برهه از تاریخ خود نیاز به پروژهای عظیم دارد که شاید بالغ بر چندین جلد کتاب گردد. ولی برای نمونه به رویکرد دو تن از نخبگان حوزه‌های علمیه شیعه در این زمینه اشاره می‌شود که می‌توانند اسوه‌هایی برای طلاب و دانش پژوهان عصر و نسل حاضر باشند.

سیدمحمد حسینی بهشتی و مرتضی مطهری که در شمار گردان برجسته حضرات آیات بروجردی، خمینی و طباطبایی بوده‌اند، بی‌تردید پر توفیق‌ترین افراد در رصد کردن شبهه‌های دینی و ارائه پاسخ‌های منطقی به آنها بوده‌اند. شهید بهشتی یکی از رسالت‌های روحانیون و

علمای حوزه‌های علمیه را خردورزی، شبهه‌یابی، و پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی می‌داند. او آگاهی از اندیشه‌ها و عقاید دیگران را امری طبیعی برای همه انسان‌ها می‌شمارد، چنان که قرآن کریم فرموده است: «فیشِرْ عبادِی الذّین یستمعون القول فیتبعون احسنه، اولئک الذّین هداهم‌الله و اولئک هم اولوالالباب» (زمر، ۵۹). او معتقد است که تک تک کلمه‌ها و جمله‌های این آیه، ناظر به موضع‌گیری برجسته زنده اسلام در مسأله برخورد با آراء و عقاید دیگران است. زیرا که خداوند به روشنی دستور می‌دهد که مؤمنان گفته‌ها را گوش فرا دارند و بهترین آنها را انتخاب کنند. از این رو نتیجه می‌گیرد اسلام، دین به کار گرفتن خرد و نهراستین از طرح اندیشه‌های مخالف است. شهید بیهشتی می‌گوید: «با الهام‌گیری از این موضع‌گیری قرآن؛ پیشوایان دینی، دانشمندان و پژوهش‌گران

# متنوع و متنکثری از مادی گرایان و طبیعت گرایان و ملحدان و مسلمان نمایان، به موضع‌گیری‌های

سنجیده پرداختند و طرحی نو در انداختند. بی‌تردید این مجاهدات علمی و فرهنگی می‌تواند سرمایه‌ای بس ارجمند برای طلاب و دانش آموختگان حوزه‌های علمیه در روزگار ما باشد. در دوره معاصر، علمای حوزه‌های علمیه شیعه در برابر شبهه پراکنی‌های پیروان مادی و الحادی و ادیان شرقی و غربی و تعصب ورزی‌های مذاهب گوناگون، به صورت فعال موضع‌گیری کرده و با نگارش ده‌ها کتاب علیه ادعاهای ماتریالیست‌ها، کمونیست‌ها، داروینست‌ها، بهائیان، وهابیان، و غیره به روشن‌گری پرداخته‌اند، که کتاب کشف اسرار امام‌خمینی نمونه‌ای از آنهاست. تحقیق و تحلیل کوشش‌های این برهه از تاریخ خود نیاز به پروژهای عظیم دارد که شاید بالغ بر چندین جلد کتاب گردد. ولی برای نمونه به رویکرد دو تن از نخبگان حوزه‌های علمیه شیعه در این زمینه اشاره می‌شود که می‌توانند اسوه‌هایی برای طلاب و دانش پژوهان عصر و نسل حاضر باشند.

سیدمحمد حسینی بهشتی و مرتضی مطهری که در شمار گردان برجسته حضرات آیات بروجردی، خمینی و طباطبایی بوده‌اند، بی‌تردید پر توفیق‌ترین افراد در رصد کردن شبهه‌های دینی و ارائه پاسخ‌های منطقی به آنها بوده‌اند. شهید بهشتی یکی از رسالت‌های روحانیون و

## \*شهید مطهری: این بنده از حدود بیست سال پیش که قلم به دست گرفته، مقاله یا کتاب نوشته‌ام، تنها چیزی که در همه نوشته‌هایم آن را هدف قرار داده‌ام، حل مشکلات و پاسخ‌گویی به سؤالاتی است که در زمینه مسائل اسلامی در عصر ما مطرح است

علمای حوزه‌های علمیه را خردورزی، شبهه‌یابی، و پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی می‌داند. او آگاهی از اندیشه‌ها و عقاید دیگران را امری طبیعی برای همه انسان‌ها می‌شمارد، چنان که قرآن کریم فرموده است: «فیشِرْ عبادِی الذّین یستمعون القول فیتبعون احسنه، اولئک الذّین هداهم‌الله و اولئک هم اولوالالباب» (زمر، ۵۹). او معتقد است که تک تک کلمه‌ها و جمله‌های این آیه، ناظر به موضع‌گیری برجسته زنده اسلام در مسأله برخورد با آراء و عقاید دیگران است. زیرا که خداوند به روشنی دستور می‌دهد که مؤمنان گفته‌ها را گوش فرا دارند و بهترین آنها را انتخاب کنند. از این رو نتیجه می‌گیرد اسلام، دین به کار گرفتن خرد و نهراستین از طرح اندیشه‌های مخالف است. شهید بیهشتی می‌گوید: «با الهام‌گیری از این موضع‌گیری قرآن؛ پیشوایان دینی، دانشمندان و پژوهش‌گران

متنوع و متنکثری از مادی گرایان و طبیعت گرایان و ملحدان و مسلمان نمایان، به موضع‌گیری‌های

سنجیده پرداختند و طرحی نو در انداختند. بی‌تردید این مجاهدات علمی و فرهنگی می‌تواند سرمایه‌ای بس ارجمند برای طلاب و دانش آموختگان حوزه‌های علمیه در روزگار ما باشد. در دوره معاصر، علمای حوزه‌های علمیه شیعه در برابر شبهه پراکنی‌های پیروان مادی و الحادی و ادیان شرقی و غربی و تعصب ورزی‌های مذاهب گوناگون، به صورت فعال موضع‌گیری کرده و با نگارش ده‌ها کتاب علیه ادعاهای ماتریالیست‌ها، کمونیست‌ها، داروینست‌ها، بهائیان، وهابیان، و غیره به روشن‌گری پرداخته‌اند، که کتاب کشف اسرار امام‌خمینی نمونه‌ای از آنهاست. تحقیق و تحلیل کوشش‌های این برهه از تاریخ خود نیاز به پروژهای عظیم دارد که شاید بالغ بر چندین جلد کتاب گردد. ولی برای نمونه به رویکرد دو تن از نخبگان حوزه‌های علمیه شیعه در این زمینه اشاره می‌شود که می‌توانند اسوه‌هایی برای طلاب و دانش پژوهان عصر و نسل حاضر باشند.